

حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجشنبه ۱۷ دلو ۱۳۶۵
Feb. 5, 1987
سال هفتم شماره ۱۳۴
شماره مسلسل ۱۶۵۳
سال تاسیسی ۱۳۵۹

دیسالوگ ادا شده دارد

مصالحه ملی: یگانه راه معقول و ضرور بخاطر قطع خونریزی، برادر کشی و حبل و فصل اوضاع اطراف افغانستان

حقایق و ارقام

● بیش از دو هزار و پنجاه خانواده از هموطنان ما که طی سالهای اخیر در خارج از کشور به سر میبردند و تعداد آن ها نزدیک به ۱۵ هزار نفر می رسد، پس از اعلام مصالحه ملی از طریق ثور خم، اسلام قلعه و سپین بولدک به کشور آمدند.

● بیش از ۲۰ گروه مسلح شامل بیش از ده هزار تن از افراد مسلح مخالف پس از اعلام مصالحه ملی به این مشی پیوستند و آماده گئی شاعر برای تأمین صلح در کشور ابراز نمودند.

● در حدود ۱۵ گروه مسلح مخالف در حال مذاکره با ارتشهای دولتی اند.



آنچه آنها میگویند

ضیاء نصری یکتا از افغانان
مقیم ایالات متحده آمریکا:

«ا مردم افغانستان به کالاهای گران، به خانه، نه به قبرستان ضرورت دارند. دشمنان ما عساکر اتحاد شوروی نه، بلکه بیسواسی، فقر و امرا سرکشند. ما می بینیم که در کشور ما کارهای زیادی صورت گرفته و کارهای زیاد دیگری نیز صورت میگیرد.»

*

عبدالله لکرم معاون گروه
مسلح در ولسوالی گلهرات:

«فرستادن جنگ غذا نبود، آرامی نبود، ادویه نبود، مکتب های قریه ها نبود، بود، بالاخره جنگ جنگ بود جنگ حوا تقسیم نمیشود... ما انتظار داریم که اولین گروه مسلح مخالف هستیم که در تحقق مشی مصالحه ملی آماده گئی نشان داده ایم.»

*

حاجی سلطان محمد قوماندان گروه
یکمزار و پنجاه نفری در بغلان:

«آشتی ملی بزرگترین فراخوان وطنی است بخاطر اعمار و وطن افغانستان. من به نمایندگی از گروه یکمزار و پنجاه نفری مسلح که به مشی مصالحه ملی پیوسته ایم از تمام گروه های مخالف دعوت میکنم تا از جنگ خانمانسوز و ویرانگری دست بکشند. باید باطمینان به وطن برگردند و دستاورد صلح سراسری وطنی سپه و متحد گردند.»

مسیر درست و امیدوار کننده

تبصره روز

جشن مصالحه ملی که به وسیله رهبری افغانستان اعلام گردیده از پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای مترقی سیاره ما برخوردار است. زیرا تحقق این مشی امیدواری بخاطر عادی شدن هر چه زودتر اوضاع در پنج دهه، رافوت هر چه بیشتر می باشد. و این آرزو مندی ها دارای اساسات جلی می باشند. چرا؟

اولاً اینکه، مشی مصالحه ملی به شکلی منافع اکثریت افغانهاست که از جنگ هشت ساله برادر کشی و خونریزی خسته شده اند. این مطلب را حتی ناظران بیطرف غربی ما نیز از دور و بر تر روزنامه نگار امریکایی که در ترکیب یک دسته آبر و های ضد دولتی نه می توبه صورت مخفیانه وارد آلتس ج. د. گردیده است، تأیید میکنند. با هیت راپور تاژ این ژورنالیست امریکایی که در روزنامه نیویارک تایمز به نشر رسیده است صرف در یک نکته خلاصه می شود و آن اینکه افغانها بیش از این نمی خواهند علیه یکدیگر بجنگند.

ثانیاً، باز تاب واقعیتی مادد این نیز نبسته است که این امیدواری نه با ساده گی از روی «نیات خیرخواهانه» سرچشمه می گیرد، بلکه شالوده آنرا پیروزی و اقلیتی تشکیل میدهد. در همدار این پیروزی ها، شمولیت بیشتر از یکصد تن از افراد با اعتبار غیر حزبی، نمایندگان ملیت ها، اقوام و قبایل و ده ها نیو کشور در ترکیب غالبترین ارگانهای دولتی، تلویر نخستین انتخابات ارگانهای محلی قدرت دولتی که در آن هشتاد و پنج درصد رای دهنده گان در سرتاسر افغانستان شرکت میکنند، مذاکرات با چهار صد هفده گروه مسلح مخالف که کیمت مجموعی آنها به سه هفت هزار نفر میرسد، بیشتر شایان توجه است.

ثالثاً، خوشبینی نمی تواند شجاعت رابه باریناورد

آغاز...

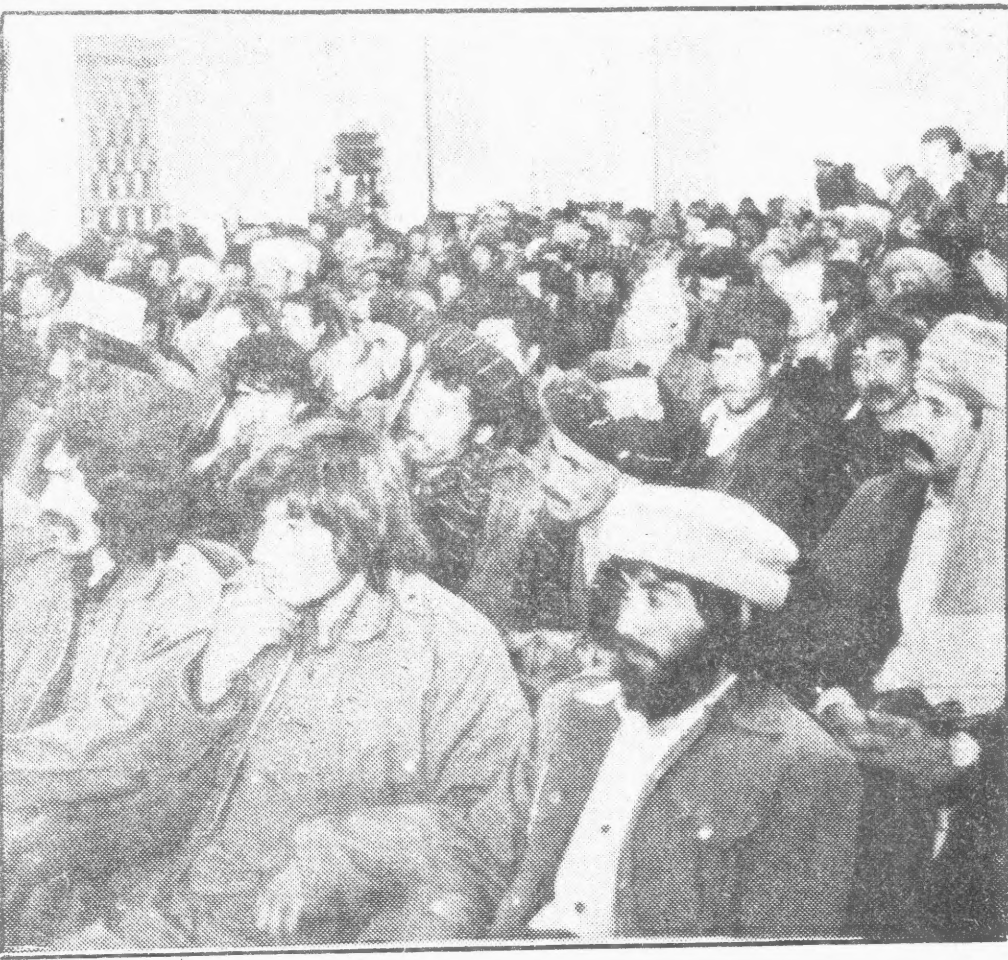
صحتی بایکی از مخالفین که بر گشته است

... و او که چون درخت خشکیده در دل بیابان می فرسود و فکر میکرد تا جودا ن نیز چنین خواهد بود، ناگهان بهار از راه رسید تا دو بهار سبز ش کند و ریشه اش را بر زمین نشاند. او بخشیده شد، سلاح بر زمین گذاشت و از آن همه خون ها بی که در اطرافش ریخته شده بود، اندیشه کرد. بعد از هشت سال متوجه شد که جنگ چیزی برایش نداده است. و نور بر ظلمت تاریکی شب پیدا چنین ظفر یافت. همه چیز دوباره آغاز شد، آغاز خوش و انسانی. و آنشب که عقب دروازه حویلی رسید لشکری گرمی برویش خاموشانه لغزیدند و برخاسته راه های خاک آلودش شیارهای باریکی باز کردند. یکروز از خودش پرسید چرا منحنیت با سدا ر جیل تاریکی، نشاط را در پوست مرگ بخاک کرده است، چرا خنده هارا بدست اندوه سپرده و هستی را بدست نیستی داده است؟ چرا راه نشاط را، راه تلاش بخطر زنده گی را، راه گردن حقیقت از قید بنده گی را با زور نیزه برخورد و دیگسرا ن بسته است. آنروز در فرجام یک زد و خورد زنده گی سوز در لایلای سربازان کشته شده یکایک چهره هارا از غلظت گشتند. آنگاه ندا یی در درونش فریاد برداشت: «میرزه تن دیگر، میرزه تن (زن و فرزندت را همین ها خسته از جنگ و هم پیمان با اواراد و باز گشت گردند. از احوال فرستاده بیادش آمد: (۳۰)



با تفکر به خاطر آینده بر گشته

در عکسها عده افراد مسلح که همکاری خود را با دولت اعلام نموده دیده می شوند. آنها چندی پیش به نمایندگی از (۸۰۰) تن از افراد مسلح مخالف جهت بازدید به شهر کابل آمده بودند. عکسها از شیر شاه ابری



مردم از جنگ خسته شده اند و محتاج صلح و آرامش اند! - اینست سخنان دوستان و متحدین ما. - اینست سخنان محافل اجتماعی، سیاسی. - اینست سخنان حتی بسیاری از مخالفین ما.

در خدمت مردم

صا ختن خواصت های مردم به جرو بحث پردا خته میشود و تباد ل تجارب صورت مسر گیرد و هم جیت هم آهنگی گار با کمیته حز بی ناحیه رئیس کمیته اجرا ئیه منطقه در جلسات اجرا ئیه هفته وار کمیته حز بی ناحیه اشترا ک نموده و هلا یسف مریوط به کمیته اجرا ئیه را یاد داشت و پلان کار هفته وار خویش را با پلان کار کمیته حز بی ناحیه هم آهنگ میسازد . همچنان هنگام طرح پلان های شش ماهه کار کمیته اجرا ئیوی مطالب شامل پلان کار بیروی اجرا ئیه کمیته حز بی ناحیه مدنظر گرفته میشود . کمیته اجرا ئیه ناحیه دهم سعی دارد تا تحت رهبریت و هدایت و نظارت و پیگیری های حزب با در نظر داشت اصولی اساسی و سایر قوانین اساسی و د.ا.خ. و زمینه راه حل و پیگیری مریوط محل خویش جستجو و در پی آورده شدن آن از ابتکار و خلا قیت جمعی تمام نمایندگان ارا هالی استفاده نموده بر مشکلات فلیه ها فصل نماید . زیرا با کار عملی ارگان های نوین قدرت و اداره دولتی ارتباط توده ها با حزب و دولت هر چه محکمتر گره میخورد . و از طریق اجرای عملی کار ها است که مناسبات مستقیم و رابطه ریشه یی بین کمیته های اجرا ئیه و اها لی بوجود می آید .

کمیته واری دایمی از مراکز پیرویش دهگانه در سطح ناحیه و تقسیم ساحت ها ناحیه بین نماینده گسائی استفاده لازم از همه نماینده گان است . کمیته اجرا ئیه ناحیه دهم نمایندگان منتخب را به پنج گروهی ساحوی تو طیف نموده که این گروه ها مطابق پلان باور حیه و طن پرستی و احساس مسوولیت نیازمندی های محل مریوط خویش را جستجو و در رفع آن تلاش می نمایند .

تغییر سیمینار های رهنمودی ، جلسات مشورتی واداره لکچر ها به نماینده گان یکی از علل دیگر موفقیت این کمیته میباشد . در این نوع جلسات مشورتی روی و طایف تا خیر ناید پر کمیته ها و نقش نماینده گان منتخب مردم در بر آورده شدن نیازمندی های مردم

صاف قوای مسلح به خاطر دفاع از مادر وطن تمام ریزرف ها و امکانات موسسات و محلات زیست مساحه خویش را مطالعه نموده و با اتفاق تصمیم ، تعویضی عدد از مردان بوسیله زنان مستعد که توانایی کار را در موسسات و ادارات دارند به تعداد (یکصد و پانزده نفر) اضافه تر از پلان به صفوف قوای مسلح ج.ا.د. معرفی داشته است . یکی از علل موفقیت این

یک سلسله و طایف را به اساس پلان های قبلا تنظیم شده و تقاضای زحمتکشان مریوط ناحیه خویش انجام داد . است که میتوان طو ر فشرده از ترمیم ، اسفالت و جمل اندازی سر کپا ایجاد دو کلینیک حیا به طفل و مادر یک باب در ملتان ، نصب سه پایه تیلو ن مکه انداز ، ایجاد پنج باب مغازه شکر و یک مغازه لبنیات فروشی ، ایجاد یک در ملتان ، مغازه مواد ارتزاقی کو پو نیما -

سا ختن نیازمندی های عاجل و ضروری اها لی ساحه خویش به تاسی از قانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی همه امکانات را یکبار بندد . به خاطر توضیح اطفال و والای انسان ی حزب جلب یشتیبائی مردم از مشی حزب و دولت و آما دگی آنان به خاطر اشترا ک در حل مسائل مریوط ، کمیته اجرا ئیه ناحیه دهم در شش ماه اول سال ۱۳۶۵ طی گردم آبی های هشت مرتبه

ارگان های نوین قدرت واداره دولتی که متکی به اعتماد برنامهای ج.ا.خ. و اصول اساسی ج.ا.د. ایجاد گردیده اند ، کمیته واقعی خود مردم را بر مبنای اصول دموکراتیک نمایند و این ارگان ها و طیفه دارند تا مجموع برابلس ساحه فعالیت خویش را حل و فصل نمایند . حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همان بدو تا سیمین یکی از اهداف اساسی خود را مبارزه همه جانبه در راه انتقال قدرت به خلق و حاکم نمودن توده ها بر سرنوشت و مقدرات شان اعلام داشت .

انتخابات برای ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی که برای اولین بار در تاریخ کشور مایکسا ل قبل آغاز گردید و مرحله اول آن مور فقا نه به پایا ن رسید ، یکی از بزرگترین دستا و ده های انقلاب ما است . زیرا واقعا مردم را حاکم بسر سرنوشت شان ساخت و برای آنان امکان داد تا خود مسائل مریوط به محل خود را حل و فصل نمایند .

مردم ناحیه دهم شش ماهی در ماه صلیه ۱۳۶۴ بر مبنای انتخابات آزاد و مستقیم پارای علی (چهل و پنج تن) از نماینده گان شان در شورای نماینده گان مردم ناحیه انتخاب کردند . کمیته اجرا ئیه شورای نماینده گان مردم ناحیه دهم تمام مسائل دارای اهمیت محلی را منظمآ جمع بندی و به خاطر اجرای آن تلاش همه جانبه یعنی داده است . این کمیته توانست ی آنرا کسب نموده که در بر آورده شدن نیازمندی های مردم

شوراهای جدید ایجاد شده و وظایف شان

مورین ، ایجاد یک باب مکتب ، حطریک چاه عمیق و چار چاه نیمه عمیق و ایجاد بیست و سه صنف در سی درو مکتب و غیره نام برد .

کمیته اجرا ئیه گروه نماینده گان مردم ناحیه دهم شهر کابل به همکاری کمیته حز بی ناحیه دهم ، نماینده گان منتخب مردم و وکلای گذر صمیم شایسته ای را در محسوسوادی داشته است . چنانچه تاکنون از جمله (هفت هزار و نود و یک) سواد آموز پنجمه نفر با سواد واز کورس های سواد آموزی فارغ گردیده اند که این رقم تطبیقی بیست و پنج فیصد بیشتر از پلان را نشان میدهد .

کمیته اجرا ئیه یکجا بسا کمیته حز بی ناحیه دهم به منظور تقویت هر چه بیشتر



به ادامه مرحله دوم انتخابات

به ادامه مرحله دوم انتخابات در ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی دیروز زحمتکشان قراء خالدا ری ، خطاوی ، قلمه سنیو ، قلمه عصیم و بله سان و لسوالی بغمان ولایت کابل طی جلسه هفت تن از اشخاص و شخصیت های با اعتبار محلات شانرا در جرگه نماینده گان مردم قراء مریوط انتخاب نمودند .

اعضای جرگه نماینده گان طی اولین جلسه خود که بعد از تصویب انتخابات بر گزار شد ، عبدالقهار را به حیث رئیس و نور الله را به صفت معاون انتخاب کردند .

بر مبنای یک گزار شد دیگر در جریان کار انتخابات یک مقدار مواد امدادی شامل روغن و صابون و یاپوش برای مستحقین قراء مذکور توزیع شد .

مردمان ما در همه گانی ساختن سواد سیمین بوشا یه می گیرند . از جمله کارگران زحمت کش آموزش سواد و از ولایت میهنی و انقلابی خود می دانند .

دو مجلس : طاهری ، سید محمد و امیر محمد سه تن از کارگران دستگاه ساختمانی بنا یی در کورس سواد آموزی آن مؤسسه دیده می شوند .

عکاسی لطیفی

خبرهای رسمی

جلسه بیروی اجرا ئیوی و فیصله های پلنوم فوق العاده کمیته حز بی ولایتی حلند کمیته مرگزی و تحقق مشی دیروز به اشترا ک رفیق صالح محمد زبیری عضو بیروی سید سی و منشی کمیته مرگزی ج.ا.خ. در شهر لشکرگاه دایر شد . رفیق صالح محمد زبیری درین جلسه در مورد تصامیم رفیق عبدالوکیل عضو بیروی سیاسی کمیته مرگزی ج.ا.خ. و وزیر امور خارجه ج.ا.خ. قبل از طهر دیروز به کلکتیف کا مینا ت خانه سازی رفته و پیرامون جوانب بین المللی مشی مصالحه ملی و ارتباط

بناظر پیرو امور نشراتی و سایر اطلاعات جمعی ولایت بلخ در امر توضیح و انتقال امداد عالی و مترقی حزب و دولت انقلابی ما به مردم و انکامی خواست ها و نظریات ، پیشنهادات و همچنان سهم گیری فعال زحمتکشان ما در تحقق آرمانهای ولای

بناسی از فرمان هیئت رئیس شورای انقلاب ج.ا.د. در مورد غوغای عمومی محبوبین بزرگان ، مر سفیدان ، علما و روحانیون و گروه های مسلح در منطقه سرای سنگ شبر تالقان اشیرا طی مراسمی از مشی مصالحه ملی که از طرف حزب و دولت انقلابی ما اعلام گردیده است استقبال و پشتیبانی نموده و در تحقق این امر مقدس ملی آماده کامل شانرا تیار دادند .

بناظر تشریح و توضیح مصوبات پلنوم و سیمین فوق العاده ماه جتی کمیته مرگزی ج.ا.خ. و اجلا سیه فوق العاده شورای انقلابی ج.ا.د. مبنی بر تحقق مشی مصالحه ملی پیروزی گرهایی از طرف جزو تام راکست در لسوالی چهار آسیاب تدویر یافت

در این میتنگ که منسوبین لوی راکت و عده از اها لی چهار آسیاب اشترا ک داشتند ، سخنرانان در رابطه با مشی مصالحه ملی صحبت نموده و هر گز نه همکاری شانرا در زمینه تحقق این مشی انساندوستانه ابراز نمودند .

در اخیر میتنگ نظریات و پیشنهادات اها لی قری از طرف و لسوالی چهار آسیاب در رابطه با مشی مصالحه ملی جمع آوری گردیده و مواد امدادی به مستحقین توزیع گردید .

باختر

آغاز

نشسته و کود که یکساله را در آغوش دارد به طرف شوهرش می بیند ، بعد بطرف می بیند میگو ید تو چه کار میکنی ؟ میگویم و طیفه دارم شناختن شوهرت را بشنوم که اگر کسان دیگر از قصه تلخ او عبرت بگیرند .

باشد ، که آرامی شود . مثل آنکه دلش میگو ید کاشکی چنین شود . بعد کود کش را سخت به سینه میفشارد و طرف آستان می بیند . آهسته تکرار میکند کاشکی آرامی شود . مادرش که دیگر پوست وزگ بروی استخوانهایش خشکیده است برای نان گرم تنور می آورد . اسمعیل نخست به طرف نان و سپس بطرف من می بیند میگو ید بخور خواهر که آب و نمک شویم . در لجه اش صمیمیتی است که بی اختیار دستم بطرف نان پیش میرود . بعد فکر کردم درخت ها ، کوه ها و آسمان یکجا با هم میگفتند : برو تو انسان این وطن هستی انسان این خاک هستی ... وطن و مردم میتواند گنا های ترا به بخشند ، آینده در انتظار تو ست ، فردا از توست میتوانی در صلح زیاده گی سعادتمند داشته باشی ، هنوز دیر نیست که دست از جنگ و جنایت برداری !

میردم ، چقدر از روز مسی ترسیدم . . . بعد بخاطر می آورد . آنروز که بچه یی را از آغوش مادر پیرون کشیدند ... بردند هنگا بیکه چشیش برای آخرین بار به قیافه مصوم طفل بیگناه افتاد مثل این بود که بازبان

شاید هم از پیوستن مخالفان دیگر در ولایات بغلان ، هرات کنز و ... آگاه ی نداشته باشد . برای قصه می کند و بعد خاموش میشود . اعصابش نا آرام است و باره بطرف آفتاب می بیند . چه خوب آفتاب گرم است . میگو یم

چگونه ماشه را بکشد و مرمی را به هدف بنشاند و آنوقت در پهلوی دیگران ، آثانی که به جنگ هو طمان آمده اند قرار میگیرد .

از او میپرسم تا متجسس؟ چشمانش به طرف کوه ها و آفتابی که به بالای سر ما منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت

منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت

نگاهش از او پرسید چرا؟ وقتی شب هنگام طفل خودش را در آغوش کشید ، به تلخی و درد آنچه کرده بود گفت کرد . باز میگو ید : « همه کار های ما در شب بود و قتی و چندان انسان خواب باشد همه کارها را چشم بسته در تاریکی انجام میدادیم . »

زنی که در نزدیکی ما

رسیده است ، دوخته میشود میگو ید : « نام اصلی ام راجه میکنی قبول کن که اسمعیل باشد . »

من او را به حیث یک انسانی که هنوز از فضا و هوای دیروز از همراهان دیروزی اش اندیشه دارد در یک میکم برستی او هنوز از همه مسائل آگاهی ندارد و چقدر از روشنی آفتاب بد

رسیده است ، دوخته میشود میگو ید : « نام اصلی ام راجه میکنی قبول کن که اسمعیل باشد . »

من او را به حیث یک انسانی که هنوز از فضا و هوای دیروز از همراهان دیروزی اش اندیشه دارد در یک میکم برستی او هنوز از همه مسائل آگاهی ندارد و چقدر از روشنی آفتاب بد

آغاز

منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت

منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

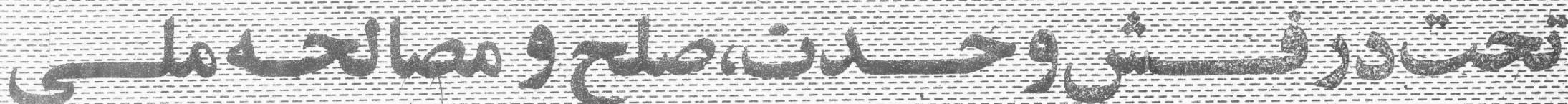
به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت

منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت

منظره حویلی و خانه برا یم جالب است ، در یک طرف حویلی دوسه گاو شیری را نزد یک به آخور بسته اند . و در طرف دیگر زنی زیر چتر تنور نان بیرون میکشد .

به مجرد داخل شدن به حویلی بوی بته های سوخته روستا و ده با همه خصوصیاتش با مردم مهربان ، با همت و مهربان نوازش بیاد می آید . در گوشه از حویلی چسبیده بدیوار مردی با لای پتویش نشسته و تفنگی در نزدیکی اش قرار دارد . در دوردی نقش قطار مر می دیده میشود . بطرف اتاق ها می بینم همه ، سرد ، خالی و بی هیچ اند . اطفال قدو نیم قد سرو پا برهنه چهره های گرد آلود اینسو و آنسو میگردند . و من در چهره عریان این خانه در نگاه های مضطرب این کورگان ، در تن رنجور و تکیده یک مادر ، در چهره زرد و رنگ پریده یک زن مفهوم جنگ و بیپروده گی جنگ را می بینم ، در چشمان مضطرب و پشیمان یک مرد و وحشت جنگ و ویرانگری جنگ را مشا هدم میکنم . او برایم قصه میکند ، آهسته صحبت میکند . از سال ۵۹ پایش به پشاور رسید . ذرخند (بیرو) تعلیم دید و آموخت



غزل

اگر آن تبلیغات بی سرو
بای شما را در مورد به اصطلاح
استعمار و فر هنگی افغانستان
بیاد بیاوریم ، صبر فیما
بیشتر است بگو یم که: اعتراف
ووب است ، اگر فر دا علیه
نسخن نگو ید !

جنگ راه حل اختلافات نیست

جود گمیسو نها ئی فوق
 اها ده مصالحه ملی یا عبده
 ین ارگان تحصیل این امر که
 سطح قریه تاعلا قدا ری،
 نسوا لی ولایت ایجان
 ندیده و می گردد . کمسیون
 القاد مصالحه ملی
 رفاقا نستان در راس تمام
 ارگانها خواهد بود
 کنون وجیهه و جلذ نی و ملی
 هده هموطنا نی که بتا بر

لی در خاکهای بیگانه باشد
با استفاده از این اقدام
حاکمیت مردمی به خاطر
ظهور، افشای و قار
سانی، به خاطر سرسبز
دانه ن باغهای خشکیده
خاطر جاری کردن آب
یارهای خشک و بی آب،
طرز و آبادی
ی پنهان و بی آب
ی، به خاطر کلیه های

انسان ، به خا طس
کد انهای بی آتشی ، به خاطر
حرکت آوردن چرخهای
یکه های وطن ، به خا طس
دای ز میمنه ای ترکیه و
خم نازده ، بخاطر احترام
پدران و نیاکا نو برای
سکیندن اشکهای فرزندان
دردن چشم به راه ، راه
را در پیش گیرند .
با اطمینان کامل عثمینی
ول مصالحه ملی که از همین
روز در قلب ، میلیو نیپسا
ایان وطن ماوششری یتیمزقی
یافته است تضمین بیرونی
بزرگی در آینده نیبه
این دور در کشور می

مشی مصالحه ملی که
جانب حزب و دولت ج. د. ا.
در پلینوم فوق العاده و وسوسه
کمیته مرکزی ج. د. ا.، بر
خاطر صلح و آرامش و قسط
چنگ و برادر کشی
مطرح گردید، یکبار دیگر
سیاست انسان دوستانه
حزب و دولت ج. د. ا. صحیح
گذاشت که تحقق این مشی
انسانانه را...

ایستاد و مبارز و وطن پرستان کشورخواه و دوست درین رابطه میزدو باچند تن از دست اندر کار علوم داشتیم که به نشر می رسد.

خبرنگار روز نامه حقیقی

انقلاب نور: شرایط کنونی کشور رویداد عظیم و تاریخی را در برابر کلیه افراد و ملت مینی بر آشتی ملی، قرارداد

است. این رویداد بمثابة مظهر دورانی ساز در فیصله‌ها و پلینوم فوق‌العاده ماه جدی است. کمیته مرکزی ج.د.خ. واعلا می‌شورای انقلاب ج.ا.ا. تجلی یافت. مردم آزاده و صلح‌دوست ما از این رویداد عظیم و تاریخی استقبال گرم و شایسته بعمل آوردند. شما به حیث یک دانشمند

ارزيابي مي نماييد ؟
محمد حكيم سليم :
بو عنخي زبان واديبا ت
پوهنتون كابل :
ژنده كي حق طبيعي هر
انسان است . صلح پد يده
اجتماعي است . ژنده كي هر
انسان كي لوريك جا مه ياضلع
نا مين شه . ميتواند ، باصلح
ميتوان خو ب كار نمود ، بهتر

یست کرد و خویش را تحصیل نمود. تا مبنی صلح و هیفه هراسان رسالت مند و همه مردمان خیراندیشی در کشور است دولت که از اقشار و طبقات مختلف جامعه نمایندگی میکند وظیفه خود میداند تا آرمان الای مردم خویش را انعکاس دهد.

لی که از جانب حزب دولتی
اعلام گر دید قم بسیار
یک و بجاست، تمام مردم
افغانستان این مثنی انسانی
ایاید نموده می نما یندوبیا
شان و دل در جهت تحقق
عملی نمودن آن سهیم
بایسته می گیرند. از این
باست که اقدام و پشتیبانی
رمت ازین اقدام با اهمیت
رمت و اصول است ادب معنی

شکار میسازد .
خبرنگار روزنامه :
آتش بس که از جانب
زب و دولت ج.ا.و. د ر
سیون عالی و فوق العاده
مسالحه ملی پیشنهاد گردیده
ایچ بس بز رگی را د ر
رابطه کنونی کشور به بار
ورده است . زیرا میتوان



